

بازار نفت در محاصره اخبار جنگ

همزمان با ادامه تنش‌ها میان ایران و آمریکا و مطرح شدن احتمال اعمال فشارهای تازه آمریکا، بازار جهانی نفت هفته‌ای پرنوسان را پشت سر گذاشت. قیمت‌ها در واکنش به وضعیت تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز و چشم‌انداز عرضه جهانی، از ریزش سنگین ابتدای هفته تا بازگشت دوباره در روزهای پایانی نوسان کردند.

بازار جهانی نفت در هفته گذشته نوسان شدیدی را پشت سر گذاشت. قیمت نفت که در ابتدای هفته تحت تاثیر کاهش تنش‌های ژئوپلیتیکی و امید به راه‌حل‌های دیپلماتیک با افتی سنگین مواجه شده بود، در ادامه با انتشار گزارش‌های مربوط به کاهش ذخایر نفت آمریکا، گمانه‌زنی درباره سیاست تولید اوپک‌پلاس و تداوم نگرانی‌ها نسبت به امنیت تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز، بار دیگر مسیر صعودی را در پیش گرفت.

هفته با افت قابل توجه قیمت نفت آغاز شد. روز دوشنبه ۵ مرداد، بهای نفت برنت با کاهش ۶.۴ درصدی به ۹۰.۵۸ دلار در هر بشکه رسید و نفت وست‌تگزاس اینترمدیت (WTI) نیز با افت ۶.۵ درصدی در سطح ۸۳.۵۱ دلار معامله شد. در ساعات ابتدایی معاملات، قیمت برنت حتی برای مدتی به زیر ۹۰ دلار نیز سقوط کرد.

عامل اصلی این کاهش، فروکش کردن نسبی تنش‌ها در خاورمیانه و افزایش امیدواری بازار به دستیابی طرف‌های درگیر به یک راه‌حل دیپلماتیک بود. هم‌زمان، احتمال ازسرگیری تدریجی تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، نگرانی‌ها درباره اختلال عرضه را کاهش داد و فشار فروش را در بازار افزایش داد.

با وجود این، تحلیلگران تاکید کردند که بازگشت کامل جریان صادرات نفت از تنگه هرمز زمان‌بر است، چراکه شرکت‌های کشتیرانی همچنان نسبت به امنیت عبور نفتکش‌ها محتاط هستند. در عین حال هشدار داده شد که ادامه تنش‌های خاورمیانه یا اختلال در صادرات روسیه می‌تواند بار دیگر قیمت‌ها را صعودی کند.

فشار نزولی بر بازار نفت در روز سه‌شنبه نیز ادامه یافت. قیمت نفت برنت با افت ۱.۳ درصدی به ۸۷.۲۴ دلار در هر بشکه رسید و نفت آمریکا نیز با کاهش ۱.۲ درصدی در سطح ۸۱.۶۱ دلار معامله شد. این در حالی بود که هر دو شاخص در معاملات روز قبل بیش از ۹ درصد سقوط کرده بودند. به اعتقاد تحلیلگران، کاهش قیمت‌ها نشان‌دهنده افزایش اعتماد معامله‌گران به کاهش تنش میان ایران و آمریکا و کاهش احتمال حمله به زیرساخت‌های انرژی منطقه بود. هرچند کارشناسان هشدار دادند که این آرامش همچنان شکننده است و بازار برای اطمینان از کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی، به شواهد بیشتری از پیشرفت مذاکرات دیپلماتیک نیاز دارد.

از سوی دیگر، ازسرگیری بارگیری نفت در پایانه صادراتی قرقاستان که پیش‌تر بر اثر حملات پهپادی متوقف شده بود، بخشی از نگرانی‌ها درباره عرضه کوتاه‌مدت نفت را کاهش داد و به افت بیشتر قیمت‌ها کمک کرد.

پس از دو روز افت متوالی، بازار نفت روز چهارشنبه ۷ مرداد تغییر مسیر داد. قیمت نفت برنت با رشد ۳.۲ درصدی به ۸۶.۷۹ دلار در هر بشکه رسید و نفت آمریکا نیز با افزایش ۳.۳ درصدی در سطح ۸۱.۹۱ دلار معامله شد.

مهم‌ترین عامل این رشد، انتشار گزارش موسسه نفت آمریکا درباره کاهش ۳.۳ میلیون بشکه‌ای ذخایر نفت خام این کشور بود. این موضوع نشانه‌ای از تقویت تقاضا یا کاهش عرضه تلقی شد. علاوه بر آن، گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد اوپک و متحدانش احتمالاً افزایش تولید برنامه‌ریزی‌شده از ماه اکتبر را به مدت سه ماه به تعویق خواهند انداخت. این خبر انتظارات برای محدود ماندن عرضه را تقویت کرد.

روند افزایشی قیمت نفت در روز پنجشنبه ۸ مرداد نیز ادامه یافت. نفت برنت با ثبت قیمت ۹۱ دلار در هر بشکه و نفت آمریکا در سطح ۸۴.۲۹ دلار معامله شد. هرچند میزان افزایش روزانه محدود بود، اما بازار بار دیگر ریسک‌های ژئوپلیتیکی را در قیمت‌ها لحاظ کرد.

کارشناسان بازار تاکید کردند تا زمانی که امنیت عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز به طور کامل تضمین نشود، بخشی از قیمت نفت ناشی از «صرف ریسک» خواهد بود. به گفته تحلیلگران، گرچه بخشی از نفت از مسیرهای جایگزین صادر می‌شود، اما محدودیت تردد در این آبراه راهبردی همچنان تهدیدی جدی برای عرضه جهانی انرژی محسوب می‌شود. قیمت نفت برنت در روز جمعه ۹ مرداد با کاهش ۱.۴۴ درصدی به ۸۷.۷۵ دلار در هر بشکه رسید و نفت آمریکا نیز با افت ۱.۷۷ درصدی در سطح ۸۲.۱۱ دلار معامله شد. دلیل اصلی این کاهش، تمرکز معامله‌گران بر وضعیت واقعی حمل‌ونقل نفت به جای اخبار سیاسی بود. تحلیلگران معتقدند بازار تا حد زیادی اثر اولیه جنگ را در قیمت‌ها لحاظ کرده و اکنون بیش از گذشته به داده‌های مربوط به میزان صادرات، تردد نفتکش‌ها و وضعیت مسیرهای دریایی واکنش نشان می‌دهد. با این حال، ریسک‌های ژئوپلیتیکی همچنان پابرجا ماند. حملات به برخی شناورها در منطقه مدیترانه، اختلال در تردد از کانال سوئز، ادامه محدودیت‌ها در تنگه هرمز و باب‌المندب و همچنین حملات به زیرساخت‌های انرژی روسیه، همچنان از عوامل اصلی نگرانی بازار بودند. روز شنبه ۱۰ مرداد، قیمت نفت بار دیگر افزایش یافت و نفت برنت با رشد ۱۰.۵ دلاری به ۸۷.۹۳ دلار در هر بشکه رسید. عامل اصلی این رشد، افزایش دوباره تنش‌های سیاسی میان ایران و آمریکا و تشدید نگرانی‌ها درباره امنیت عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز بود.

درجمع‌سود باید گفت بازار بیش از هر زمان دیگری به تحولات ژئوپلیتیکی وابسته شده است. در هفته گذشته هر بار که احتمال کاهش تنش‌ها و پیشرفت دیپلماتی تقویت شد، قیمت نفت با افت قابل توجهی روبه‌رو شد و هر زمان نگرانی درباره امنیت تنگه هرمز، باب‌المندب یا کاهش عرضه جهانی افزایش یافت، بازار نیز واکنش صعودی نشان داد.

در کنار این عوامل، کاهش ذخایر نفت آمریکا و احتمال تعویق افزایش تولید اوپک‌پلاس نیز از مهم‌ترین محرک‌های رشد قیمت بودند. بر این اساس، تا زمانی که وضعیت امنیتی مسیرهای اصلی انتقال انرژی به ثبات نرسد، انتظار می‌رود بازار نفت همچنان با نوسان‌های قابل توجه و حساسیت بالا نسبت به اخبار سیاسی و عرضه جهانی مواجه باشد.

سایه سنگین صف‌های طولانی و موتورهای تبدیلی بر مزیت‌های اقتصادی سوخت پاک

فرصت‌سوزی در ایستگاه CNG



اقتصاد انرژی ایفا کند. تفاوت قیمت محسوس میان بنزین و CNG، نه تنها یک مزیت برای مصرف‌کنندگان، بلکه سیگنالی اقتصادی برای بازنگری در الگوی مصرف سوخت در ناوگان حمل‌ونقل عمومی و شخصی است.

در شرایطی که تراز تولید و مصرف بنزین در کشور با چالش‌های جدی مواجه است و فشار فزاینده‌ای بر پالایشگاه‌ها وارد می‌شود، توسعه سبد سوخت با محوریت CNG می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در تعادل بخشی به

گاز طبیعی فشرده (CNG) در معادلات انرژی ایران، فراتر از یک سوخت جایگزین، به‌عنوان یک ابزار راهبردی برای مدیریت تقاضای بنزین و کاهش هزینه‌های خانوار شناخته می‌شود.

مزایای اقتصادی برای خانوار و مدیریت ناواری بنزین

آنان در برابر تورم هزینه‌های جاری خودرو است. از نگاه کلان و ملی، افزایش مصرف CNG مستقیماً با کاهش تقاضای بنزین پیوند خورده است. ایران به دلیل برخورداری از ذخایر عظیم گازی، مزیت نسبی در تأمین خوراک جایگاه‌های CNG دارد. وقتی تقاضا برای بنزین کاهش می‌یابد، فشار بر پالایشگاه‌ها برای تولید بیشتر بنزین -که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان و پیچیده است- کاهش یافته و بدین ترتیب، ظرفیت بیشتری برای صادرات فرآورده‌های نفتی و یا کاهش واردات بنزین فراهم می‌شود. هر مترمکعب CNG که جایگزین بنزین می‌شود، عملاً به معنای آزاد شدن پتانسیل صادراتی کشور است که

آنان در برابر تورم هزینه‌های جاری خودرو است. از نگاه کلان و ملی، افزایش مصرف CNG مستقیماً با کاهش تقاضای بنزین پیوند خورده است. ایران به دلیل برخورداری از ذخایر عظیم گازی، مزیت نسبی در تأمین خوراک جایگاه‌های CNG دارد. وقتی تقاضا برای بنزین کاهش می‌یابد، فشار بر پالایشگاه‌ها برای تولید بیشتر بنزین -که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان و پیچیده است- کاهش یافته و بدین ترتیب، ظرفیت بیشتری برای صادرات فرآورده‌های نفتی و یا کاهش واردات بنزین فراهم می‌شود. هر مترمکعب CNG که جایگزین بنزین می‌شود، عملاً به معنای آزاد شدن پتانسیل صادراتی کشور است که

انزادات زیرساختی و گذار به سمت سوخت پاک

دلسردی از مصرف این سوخت است. اصلاح نظام کارمزد و ارائه مشوق‌های سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی برای احداث جایگاه‌های جدید در مسیرهای پرتردد و کلان‌شهرها، می‌تواند این گلوگاه را برطرف کند. به گزارش مهر، همچنین باید به بحث تکنولوژی موتورهای خودرو توجه ویژه‌ای شود. بسیاری از خودروهای دوگانه‌سوز فعلی در ایران، موتورهایی هستند که برای بنزین طراحی شده‌اند و سپس دوگانه‌سوز

دلسردی از مصرف این سوخت است. اصلاح نظام کارمزد و ارائه مشوق‌های سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی برای احداث جایگاه‌های جدید در مسیرهای پرتردد و کلان‌شهرها، می‌تواند این گلوگاه را برطرف کند. به گزارش مهر، همچنین باید به بحث تکنولوژی موتورهای خودرو توجه ویژه‌ای شود. بسیاری از خودروهای دوگانه‌سوز فعلی در ایران، موتورهایی هستند که برای بنزین طراحی شده‌اند و سپس دوگانه‌سوز

سخن پایانی

در نهایت، مدیریت سبد سوخت کشور نیازمند نگاهی یکپارچه است. نباید CNG را رقیب بنزین دانست، بلکه باید آن را بازوی کمکی برای پایداری اقتصاد انرژی در نظر گرفت. اگر سیاست‌گذاری‌ها بر محور ایجاد تعادل میان قیمت، دسترسی، آسان، ایمنی و ارتقای تکنولوژی موتورها باشد، CNG می‌تواند

بنزین گران، درمان ناواری نیست

فرصت‌های مغفول در سبد سوخت کشور

تا ۴۰ میلیون مترمکعب است، اما مصرف واقعی آن به زحمت به نیمی از این مقدار می‌رسد. این بدان معناست که بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگین اولیه برای احداث جایگاه‌های جدید، پتانسیل توزیع روزانه بیش از ۲۰ میلیون مترمکعب سوخت جایگزین وجود دارد که می‌تواند مستقیماً معادل همین میزان از مصرف بنزین کشور بکاهد. تفاوت

ضرورت نوسازی و تبدیل رایگان ناوگان عمومی

عمومی و فعالان حوزه حمل‌ونقل اینترنتی به دوگانه‌سوز را احیا و با سرعت بیشتری عملیاتی کند. اختصاص تسهیلات بلاعوض از محل منابع بهینه‌سازی مصرف سوخت یا ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید به کارگاه‌های مجاز تبدیل، نه تنها بار مالی مالکان خودرو را کاهش می‌دهد، بلکه امنیت

توسعه شبکه توزیع و اصلاح اقتصاد CNG

مشوق‌های مالیاتی، بخش خصوصی را به اورهال تجهیزات و بهبود خدمات‌رسانی در جایگاه‌ها ترغیب کند. کاهش زمان انتظار در صف‌های سوخت‌گیری گاز، به‌ویژه در کلان‌شهرها، عامل بسیار مهمی در جذب رانندگان به سمت این سوخت پاک است. در کنار این اقدامات، استفاده از فناوری‌های نوین نظیر مخازن

تجدید سهمیه‌های بنزین آزاد کارت‌های سوخت و گران شدن نرخ سوم، بیشترین فشار را به زنجیره حمل‌ونقل سبک شهری وارد خواهد کرد. برای خنثی‌سازی این اثر توری بر نرخ کرایه‌ها، دولت موظف است طرح‌های مصوب شورای اقتصاد مبنی بر تبدیل رایگان یا کم‌هزینه خودروهای

یکی دیگر از موانع کلیدی در مسیر توسعه سهم گاز در سبد سوخت، چالش‌های اقتصادی مربوط به جایگاه‌داران CNG است. پایین بودن کارمزد توزیع گاز برای بخش خصوصی، تمایل به سرمایه‌گذاری در ساخت و نگهداری این ایستگاه‌ها را کاهش داده است. دولت می‌تواند با واقعی‌سازی کارمزدها و ارائه

اصلی‌ترین محرک برای گرایش رانندگان به استفاده از گاز طبیعی فشرده، هزینه سوخت‌گیری است. در حال حاضر، اختلاف قیمتی میان این سوخت و بنزین، به‌ویژه برای رانندگان ناوگان تاکسیرانی، خودروهای حمل‌ونقل عمومی و خودروهای اینترنتی، شکاف معناداری در سبد هزینه‌های خانوار ایجاد کرده است. برای این دسته از کاربران که پیمایش روزانه بالایی دارند، هزینه‌کرد سوخت بخش بزرگی از درآمد خالص آن‌ها را می‌بلعد. استفاده از CNG می‌تواند هزینه سوخت این گروه را تا حدود قابل‌توجهی کاهش دهد. این کاهش هزینه، به معنای افزایش درآمد سرانه رانندگان و بهبود قدرت خرید

با وجود تمام مزیت‌های قیمتی و اقتصادی، بهره‌برداری کامل از پتانسیل CNG نیازمند توجه به چالش‌های زیرساختی و فنی است. موضوع ایمنی، مهم‌ترین دغدغه ذهنی مردم و حتی سیاست‌گذاران است.

هرگونه توسعه در این بخش باید با رویکرد نوسازی تجهیزات، مخازن و کیت‌های تبدیلی همراه باشد. در سال‌های اخیر، تکنولوژی ساخت مخازن و سیستم‌های تزریق گاز پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته است، اما همچنان ضرورت دارد که نهادهای مسئول با نظارت دقیق بر معاینات فنی و ارائه تسهیلات برای نوسازی مخازن فرسوده، اعتماد عمومی را جلب کنند.

از سوی دیگر، مسئله توزیع جغرافیایی جایگاه‌های CNG باید بازنگری شود. در بسیاری از نقاط کشور، شاهد تراکم بیش از حد خودروها در جایگاه‌ها هستیم که منجر به ایجاد صف‌های طولانی و هدررفت وقت رانندگان می‌شود. این اتلاف زمان برای رانندگان حرفه‌ای به معنای کاهش درآمد و برای رانندگان عادی، به معنای

اصلاح سیاست‌های قیمتی در حوزه حامل‌های انرژی همواره یکی از چالش‌برانگیزترین تصمیمات اقتصادی دولت‌ها بوده است. در شرایطی که زمزمه‌های جدی مبنی بر تغییر نرخ سوم بنزین آزاد از ۵ هزار تومان به ۱۰ هزار تومان و همچنین کاهش سهمیه کارت‌های سوخت شخصی از ۷۰ لیتر به ۵۰ لیتر به گوش می‌رسد، کارشناسان حوزه انرژی بر این باورند که تکیه صرف بر ابزارهای قیمتی نمی‌تواند پایداری کاهش مصرف را تضمین کند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که بدون ایجاد زیرساخت‌ها و بسترهای جایگزین مناسب، اثرات کاهش سیاست‌های قیمتی به سرعت مستهلک شده و فشار مضاعفی بر معیشت عمومی، به‌ویژه در بخش حمل‌ونقل عمومی و نیمه‌عمومی وارد می‌آورد. از این رو، توسعه و جایگزینی گاز طبیعی فشرده (CNG) به عنوان یک سوخت پاک، ملی و ارزان‌قیمت، کارآمدترین راهکار مکمل در کنار هرگونه اصلاح قیمتی به شمار می‌رود.